

# نظریه فطرت و کارکردهای آن از دیدگاه فیلسوف فطرت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷

محمدجواد رودگر\*

## چکیده

فطرت از بنیادی‌ترین بحث‌های قرآن و اساسی‌ترین مباحث در معارف اسلامی است؛ به گونه‌ای که در افق اندیشه استاد شهید مطهری به «ام‌المسائل» موصوف شده و «فطرت» عنوان حیاتی‌ترین مسائل معارف اسلامی را به خود مربوط ساخته است. در اهمیت فطرت همین بس که در نگاه ایشان «منطق فطرت اساس معارف اسلامی» قلمداد شد و «کلمه فطرت» قبل از قرآن سابقه نداشته و از اختصاصات قرآن کریم است. اکنون پرسش این است که «نظریه فطرت» در آثار و آرای استاد شهید چیست و چه جایگاه و کارکردهایی دارد؟ پاسخ بدین پرسش نیز با روش توصیفی-تحلیلی از یک سو و تبیینی-تنقیدی از دیگر سو بر محور مبانی فکری و منابع گفتاری-نوشتاری استاد شهید داده شد که برون‌داد مقاله عبارت است از: ۱. نظریه فطرت مبانی فکری-معرفتی استاد شهید در همه حوزه‌های

\* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. Dr.mjr۳۴۵@yahoo.com

علوم الهی، فلسفه علوم، دین در ساحات اصول و فروع یا فقه اکبر، اوسط و اصغر و اخلاق و جاودانگی اخلاق و احکام، فلسفه‌های مضاف مثل فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق بشر، فلسفه دین و... است. ۲. فطرت از تطور مفهومی خاصی در معانی لغوی-اصطلاحی، مقایسه‌ای با طبیعت و غریزه، تفاوت مبنایی و بنایی با سرشت برخوردار است که آن را دارای ویژگی‌ها و گرایش‌های منحصر به فردی کرده است. ۳. فطرت دارای کاربست و کارکردهای معرفتی-معنوی یا علمی و عملی استثنایی در ساحات و سطوح مختلف تکامل انسان است.

**واژگان کلیدی:** فطرت، گرایش، کارکرد، نظریه فطرت، قرآن، انسان و استاد شهید مطهری.

### مقدمه

«فطرت» عمود خیمه اندیشه و اشراق، بینش و گرایش و کنش‌های فکری استاد شهید مطهری است؛ به گونه‌ای که منظومه معرفتی او متقوم به این اصل و نظریه بنیادین است؛ چنان‌که فهم اندیشه‌ها و آرای استاد شهید مترتب بر فهم نظریه فطرت خواهد بود. به بیان دیگر هسته مرکزی و مرکز ثقل افکار و آرای استاد شهید «نظریه فطرت» است. استاد شهید مطهری در پاسخ به یک پرسش، خود را «فیلسوف فطرت» معرفی می‌کند (رودگر، ۱۳۸۴، ص ۵۲). وی در مواضع و موضوعات مختلف آثار گفتاری و نوشتاری‌اش بر مبنای نظریه فطرت که برگرفته از آموزه‌ها و گزاره‌های وحیانی است، به بیان و تبیین موضوعات و حل مسائل پرداخته و در بافتار و ساختار نظریاتش به صورت منظومه‌وار یا منسجم

و سیستماتیک از آن بهره‌های وافی و کافی برده است و تعیین مسیر انسان را به فطرت اولیه خود انسان و جامعه مرتبط می‌داند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۴۵-۱۴۶). برای استاد شهید نظریه فطرت اهمیت خاص و سرنوشت‌سازی دارد که به هر مناسبتی اهتمام خویش را بر تبیین آن و نقد نظریات مقابل قرار می‌دهد و در برخی مواضع از تعبیر «نظریه فطری خودمان» (همو، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۱۸۰) یا «نظریه خودمان» (همان، ص ۱۸۱) استفاده می‌کند و در برخی موارد نیز از فطرت تعبیر به «روح» می‌کند که با استفاده از آیه «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۹) می‌فرمایند:

فرضیه قرآن این می‌شود که در آن مرحله‌ای که انسان می‌خواست انسان آفریده بشود، رسیده است به حدی، به استعدادی و به مرحله‌ای از امکان که در وجود او حقیقتی الهی قرار داده شده است؛ یعنی نه از سنخ ماده که قبلاً بوده است و نه از سنخ مکتسبات ماده، بلکه یک چیزی، یک مبدأ گرایشی، یک مبدأ دریافتی که قبلاً در او وجود نداشته و برای اولین بار به او داده شده است؛ یعنی کاملاً خصلت غیرمادی دارد. آن‌گاه این فطریات مساوی می‌شود با همان چیزی که خود قرآن از او «روح» تعبیر می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۱۴۰).

شهید مطهری به‌طور کامل به اهمیت فطرت واقف بوده و نقش و کاربست آن را در مسائل اخلاق، تاریخ و فلسفه تاریخ، تعلیم و تربیت، شناخت و... مثل نهرهایی می‌داند که از فطرت سرچشمه می‌گیرد و از عدم بحث و تحقیق در مسئله فطرت ابراز تأسف می‌کند و فطرت را با واژه‌هایی چون «فطرت الله» (روم: ۳۱)، «صبغة الله» (بقره: ۱۳۸)، آیات «ذر» (اعراف: ۱۷۲) مورد توجه و تدقیق

قرار می دهند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۲۵۱-۲۶۰). آن گاه استاد شهید در بیان و تبیین نظریه فطرت می گویند:

معنای فطری بودن یک چیز این نیست که آن بالفعل در انسان وجود دارد، معنایش این است که بالقوه در انسان وجود دارد؛ یعنی تقاضای و ظرفیت او در انسان وجود دارد، ولی اینکه این ظرفیت به چه شکل پر شود بستگی به رفتار انسان دارد. مثل استعداد علمی: در انسان استعداد تفکر، استعداد عالم شدن و کسب معلومات است؛ استعدادی که در حیوان های دیگر نیست، ولی هیچ انسانی نیز عالم بالفعل به دنیا نمی آید. اگر می گوییم در انسان استعداد علمی هست؛ یعنی همان فطرت علت جویی در انسان هست... (همان، ص ۱۸۰-۱۸۱).

آن گاه ایشان سه نظریه مقابل نظریه فطرت را طرح و تحلیل و نقد می کنند و قبل از آن می گویند: «نظریه خودمان این شد که کمال انسان در همان مسیر خلقت که به عنوان یک موجود کامل تر خلق شده است، به این است که دست خلقت در انسان این استعداد را نهاده است» (همان، ص ۱۸۱). نقطه مقابل این نظریه، عبارت اند از:

الف) انسان اساساً دارای چنین استعدادی نبوده و نیست، اینها سلسله امور اکتسابی است که در طول تاریخ پیدا شد، بعد به صورت امری موروثی در انسان درآمده است.

ب) استعدادها در انسان بر اثر سلسله تلقینات محیطی در روح انسان وارد می شود و اصلاً جنبه سرشتی ندارد، بلکه تحت تأثیر عوامل تعلیم و تربیت و عوامل محیطی است؛ بنابراین تابع شرایط محیط است.

ج) اینکه روح اجتماعی این استعدادها را در انسان به وجود می‌آورد و مسئله روح اجتماعی غیر از مسئله محیط است (ر.ک: همان، ص ۱۸۱-۱۸۲).  
 آن‌گاه ایشان هرکدام از این نظریات را با عناوین نظریه روح اجتماعی و نظریه محیط نقد می‌کند (همان، ص ۱۸۲-۱۹۴). به هر تقدیر، مسئله فطرت در کلام و کردار، در ذهن و زبان، در گفتار و نوشتار استاد شهید از موقعیت ممتازی برخوردار است که در نوشتار حاضر در قالب «نظریه فطرت» به بیان ساختار و بافتار، ماهیت، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و کارکرد آن اهتمام می‌ورزیم تا تمهیدی بر تحلیل و تعلیل نظریه یادشده و کاربست آن در دانش‌ها و ارزش‌ها، حکمت‌های علمی و عملی، حوزه‌های خداشناسی و انسان‌شناسی و درک دینی و درد دین‌دارانه قرار گیرد.

### ساختار نظریه فطرت در اندیشه فیلسوف فطرت

در ساختار نظریه فطرت به توصیف و توصیه‌های استاد شهید درخصوص مراحل تطوری مفهوم فطرت، اصالت و اهمیت فطرت، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فطرت، انواع و گرایش‌های فطرت و آن‌گاه رهیافت و کارکردهای فطرت اشاره‌هایی خواهیم داشت:

### تحلیل مراحل مفهوم فطرت

تطورات معنایی فطرت در اندیشه و آثار استاد شهید مطهری را در چهارمرحله به شرح ذیل بیان می‌کنیم:

## مرحله اول

استاد شهید مطهری مانند عالمان پیش از خود، در تحلیل مفهومی فطرت، به گزاره «گونه خاص آفرینش ابتدایی و الهی انسان» از راه تحلیل واژگانی (لغوی- صرفی) رسیده‌اند (همو، ۱۳۶۹، ص ۱۸-۲۹ و ر.ک: ۱۳۹۸ الف، ص ۱۱-۲۱ و ر.ک: ۱۳۹۸ ج، ص ۱۱-۲۲). همچنین استاد شهید در بررسی مفهومی فطرت به واژه‌های «صبغه» و «حنیف» پرداخته که در تحلیل و تعلیل مفهومی فطرت بسیار کارگشاست؛ همان‌گونه که فرمود صبغه نیز بر وزن فعله است. صبغ یعنی رنگ کردن، صباغ یعنی رنگرز و صبغه یعنی نوع رنگ کردن و صبغة الله یعنی نوع رنگی که خدا در متن تکوین زده است؛ یعنی رنگ خدایی. درباره دین آمده است که دین رنگ خدایی است؛ رنگی که دست حق در متن تکوین و در متن خلقت، انسان را به آن رنگ، متلون کرده است. (درواقع در رابطه بین صبغه و فطرت می‌توان گفت که) فطرت رنگی است که خدا در متن خلقت به روح و روان بشر زده است. لغت حنیف نیز یعنی «حق‌گرا»، «حقیقت‌گرا» و یا «خداگرا»، «توحیدگرا». (وقتی گفته می‌شود) در فطرت انسان حنیفیت هست، یعنی در فطرت او حق‌گرایی و حقیقت‌گرایی هست (همو، ۱۳۸۵، صص ۴۵۹ و ۴۶۳-۴۶۴) که در نهایت می‌توان نظر استاد شهید را چنین جمع‌بندی کرد که دو واژه صبغه و حنیف با فطرت- به معنای خاص- مساوق‌اند. صبغه در قرآن به معنای رنگی که خدا به روح انسان زده است و مقصود از این رنگ، همان رنگ توحید است. منظور از حنیف نیز گرایش حقیقت‌طلبانه روح انسان است؛ یعنی در سرشت انسان گرایشی به حقیقت، که مصداق اتم آن خداوند است، وجود

دارد.

### مرحله دوم

استاد شهید مطهری در یک مقایسه مفهومی بین فطرت، غریزه و طبیعت به گزاره‌های زیر می‌رسد:

گزاره‌های الف) ۱. استعدادهای طبیعی و غریزی و فطری اشاره می‌کنند؛ ۲. خواص اکتسابی و غیراکتسابی؛ ۳. بیان و تبیین توانایی‌های هر کدام از جماد، نبات، حیوان و انسان.

گزاره‌های ب) ۱. واژه طبیعت یا طبع درباره اشیا بی‌جان به کار می‌رود: «البته طبیعت را در غیر بی‌جان، در جاندارها مثل گیاهان و حیوانات و انسان [نیز] به کار می‌بریم، ولی در آن جنبه‌هایی که با بی‌جان‌ها مشترک‌اند» (همو، ۱۳۷۳، ص ۳۰-۳۱)؛ ۲. واژه غریزه بیشتر درباره حیوانات به کار می‌رود و برای انسان و درباره جماد و نبات هیچ کاربردی ندارد. غریزه نیز مانند طبیعت، غیراکتسابی است، ولی حالتی نیمه‌آگانه دارد (همان، ص ۳۱-۳۳)؛ ۳. واژه فطرت درباره انسان کاربرد دارد. فطرت همچون غریزه و طبیعت امری تکوینی و غیراکتسابی است؛ با این تفاوت که از غریزه آگاهانه‌تر است؛ «یعنی انسان یکسری فطریات دارد و می‌داند که چنین فطریاتی دارد». تفاوت دیگر فطرت و غریزه، اختصاص غریزه به محدوده امور مادی است و تعلق مفهوم فطرت به حوزه مسائل انسانی و ماورای حیوانی است (همان، ص ۳۴). ناگفته نماند که استاد شهید مطهری در مقام تعریف، تحدید و تبیین مفهومی، این حد و مرزها را



بیان کرده‌اند، اما در مقام عمل و در خلال مباحث، از هر سه واژه برای بیان ویژگی‌های خاص انسانی استفاده کرده‌اند. برای مثال در موضعی از «غریزه علم‌جویی» و طبیعی بودن آن برای انسان سخن رانده‌اند (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۴۵) و در جای دیگر، حس خداجویی و خداپرستی را غریزه می‌خواند (همو، ۱۳۷۹، ص ۹۳۴)؛ چنان‌که گاه واژه فطرت را برای همه موجودات به کار برده است (همو، ۱۳۸۷، ج ۲۶، ص ۹۸). بنا بر گفته‌های استاد مطهری، سه تفاوت مهم را می‌توان میان غریزه و فطرت برشمرد:

۱. فطرت به گونه اختصاصی درباره انسان به کار می‌رود، ولی غریزه درباره انسان و حیوان به صورت مشترک کاربرد دارد.

۲. فطرت از غریزه آگاهانه‌تر است؛ یعنی انسان آنچه را که می‌داند، به سبب قدرت او بر دانستن است. او از سلسله فطریاتی برخوردار است و می‌داند که چنین فطریاتی دارد.

۳. فطریات به مسائل انسانی (ماورای حیوانی) مربوط است؛ ولی غریزه به مسائل مادی زندگی حیوان محدود است.

در هر حال، استاد شهید مطهری با نگاه مقایسه‌ای - تحلیلی بین سه مفهوم طبیعت، غریزه و فطرت، ویژگی‌های فطری را ماورای حیوانی و مقدس می‌داند و از آنها با نام ارزش‌های انسانی یاد کرده و بر اکتسابی نبودن یا ریشه در ساختمان انسان داشتن و آگاهانه و ثابت بودن آنها تأکید و تصریح دارد (ر.ک: همو، ۱۳۷۵، ج ۳، صص ۴۶۶، ۴۶۸ و ۵۴۵) و مقصود و مراد وی از ثبات این ارزش‌ها، جهان‌شمولی و تغییرناپذیری آنها بر حسب تحولات تاریخی، اجتماعی





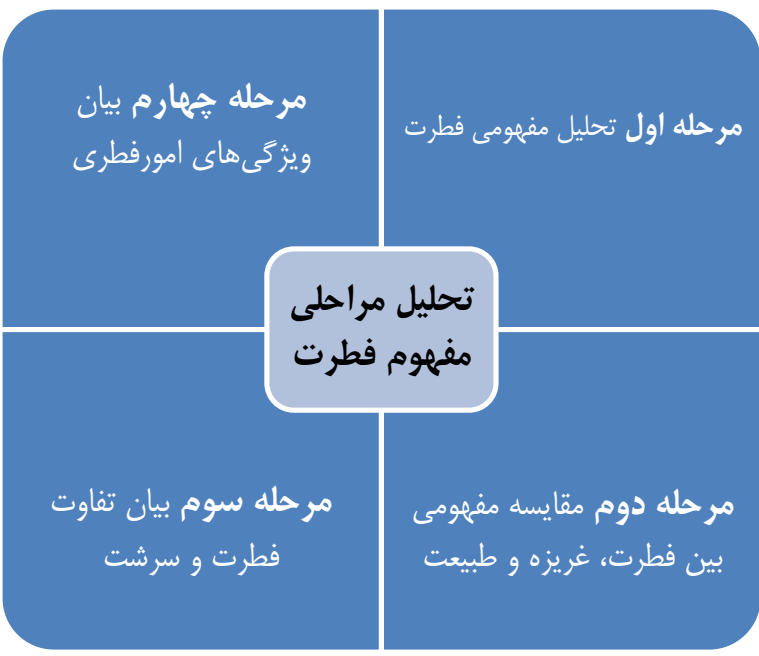
و طبقاتی است؛ چنان‌که ایشان به دو گونه فطرت معتقد است: فطرت شناخت و فطرت احساس (ر.ک: همان، ص ۴۷۴).

### مرحله سوم

استاد شهید مطهری در بیان تفاوت فطرت و سرشت، هر فطرتی را سرشتی می‌داند، ولی هر سرشتی را فطرتی نمی‌داند و به این نکته تصریح می‌کند که امر فطرتی، سرشتی است، ولی هر سرشتی، فطرتی نیست. از دیدگاه استاد شهید، امور سرشتی دو گونه‌اند: ۱. برخی امور سرشتی سابقه اکتسابی دارد، بدین معنا که ابتدا اکتسابی بوده و سپس سرشتی شده است؛ ۲. برخی امور سرشتی، سابقه اکتسابی ندارد (همو، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۷۸۶). آن‌گاه نتیجه می‌گیرند که «نمی‌توانیم فطرت را به امر سرشتی معنا کنیم؛ چون این حرف را می‌توانند (دست‌کم به صورت فرضیه) بزنند که این اموری که اکنون به صورت امر سرشتی درآمده است، در نسل‌های قبل چنین نبوده و امری اکتسابی بوده است» (همان و ر.ک: ۱۳۸۷، ص ۵۴). همچنین ایشان بحثی درباره فطرت و شخصیت دارند که بحث فطرت را همان بحث شخصیت می‌دانند (همان، ص ۵۵). نیز در کتاب **فطرت و تربیت** (همو، ۱۳۹۸، ص ۹۳-۱۱۱) به‌طور مستوفی همراه با بیان مصادیق از «شخصیت» بحث کرده‌اند.

### مرحله چهارم

استاد شهید مطهری در این مرحله برای تحدید مفهومی فطرت، به بیان ویژگی‌ها یا مؤلفه‌های مفهوم و امور «فطرتی» پرداخته‌اند.



نمودار شماره ۱: تحلیل مراحلی مفهوم فطرت

### اصالت فطرت

فطرت «ام‌المسائل» معارف اسلامی است (همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۳ و ر.ک: ۱۳۹۸ الف، ص ۲۳) یا «اصل مادر» در معارف اسلامی (ر.ک: همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۰۱).



نظریه ما نظریه فطرت است و نظریه خاصی است (همان، ج ۱۵، ص ۴۹۵).

منطق فطرت اساس معارف اسلامی (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۷۹ و ج ۱۵، ص ۹۰۱).

جهان‌بینی اسلامی و اصل «فطرت» (ر.ک: همان، ج ۲۶، ص ۱۷۰ و ۱۳۸۲، ص ۱۳۳).

فطرت حیاتی‌ترین مسائل معارف اسلامی (ر.ک: همو، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۷۶۸).

عدم سابقه کلمه فطرت قبل از قرآن (ر.ک: همو، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۵۱).

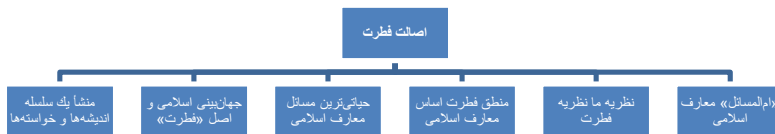
«فطرت» از تعبیرات خاص قرآن (ر.ک: همان، ج ۳، صص ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۹۲، ۵۱۴ و ۵۳۹ و ج ۱۳، صص ۴۹۲، ۶۳۲ و ۷۸۶). فرمود: «از نظر ما راز تکامل را در فطرت انسان باید جست‌وجو کرد و اینکه انسان به حسب فطرت خودش کمال‌جوست و در کمال‌جویی خودش حدّ یقف ندارد. این، علت اصلی تکامل است» (همان، ج ۱۳، ص ۷۸۷) و «ریشه تکامل در درون فطرت انسان» (همان، ص ۷۹۲).

قرآن و اصالت فطرت برای انسان (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۶۵).

قرآن کریم نخستین کتابی که مسئله فطرت خداجویی و خداطلبی و خداپرستی انسان را به‌طور صریح عنوان کرد (همو، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۸۱).

قرآن و قول به نظریه فطرت (ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۹۳۹).

سرچشمه گرفتن عمومیت خطابات قرآن از نظریه فطرت (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۶۷).



### نمودار شماره ۲: اصالت فطرت

عدم معنای مسخ در صورت عدم قول به نظریه «فطرت» (ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۱۴۸-۱۴۹).

فطرت در اسلام زیربنای بسیاری از افکار اخلاقی و افکار اجتماعی و افکار سیاسی اسلام (ر.ک: همان، ص ۷۹۳).

فطرت ریشه ثبات اخلاق (ر.ک: همان، ص ۸۱۶).

عدم بحث جامع از فطرت (ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۵۷۹ و ۷۳۸).

فطرت منشأ سلسله‌اندیشه‌ها و خواسته‌ها (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۲۱).

براساس نظریه فطرت، «انسان خصایصی دارد که به موجب آن خصایص زندگی اجتماعی‌اش متکامل است» (ر.ک: همان، ص ۵۱۰ و ج ۱۵، ص ۸۲۱).

مادر و منبع همه رازها و رمزها روح منطقی اسلام و وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان است» (همان، ج ۳، ص ۱۸۹).

آزادی انسانی را جز با نظریه «فطرت» نمی‌توان تصور کرد (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۸۵ و ج ۳، ص ۴۲۱).

بنا بر اصل فطرت، روان‌شناسی انسان بر جامعه‌شناسی او تقدم دارد (همان، ج ۲، ص ۴۰۱).

حرکت انسانیت به سوی هویت واحد طبق نظریه فطرت (ر.ک: همان، ج ۱۵،

صص ۸۲۳ و ۸۹۶).

و فرمود:

ما هر وقت می‌گوییم «فطرت» مقصودمان این است - می‌گویید انسان نه ساخته شده و پرداخته شده به دنیا می‌آید و نه خالی خالی و فاقد هر بعدی از ابعاد انسانی که تمام ابعاد انسانی را جامعه به او بدهد، بلکه انسان وقتی به دنیا می‌آید، بذر این امور انسانی در وجودش کاشته می‌شود. در جامعه اینها باید رشد کند. مثل زمینی که بذر را در آن پاشیده‌اند و الآن درون این زمین وجود دارد، فقط احتیاج دارد به اینکه به این زمین آب و نور و حرارت برسد و شرایط مساعد موجود باشد تا این بذر از درون رشد کند (همان، ص ۹۷۴).

درد فیلسوف، اعلام نیاز فطرت «دانستن» و درد عارف اعلام نیاز فطرت «عشق» (ر.ک: همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۲۰).

و سرانجام استاد شهید می‌فرمایند «با اینکه در قرآن از فطرت فراوان یاد شده است، ولی هرچه انسان جست‌وجو می‌کند، در هیچ‌جا بحثی جامع درباره آن پیدا نمی‌کند» (ر.ک: همو، ۱۳۶۳، ص ۷۴).



نمودار شماره ۳: قرآن و فطرت

### مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فطرت

امر فطری «غیرمکتسب» است؛ اگرچه استاد شهید غیراکتسابی بودن را در تعریف و تحدید امر فطری کافی نمی‌دانند (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۵۷۹).  
 بالقوه بودن امر فطری (همو، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۵۲ و ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۱۴).  
 نیاز امور فطری به تعلیم و تربیت (همو، ۱۳۸۷، ص ۵۲).

همگانی و عمومی بودن فطریات (همو، ۱۳۶۹، صص ۲۱-۲۹ و ۳۴-۳۸ و ۱۳۹۸، صص ۱۲-۲۱).

ثبات و تغییرناپذیری (همو، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵).

آگاهانه بودن (همان، ص ۷۳).

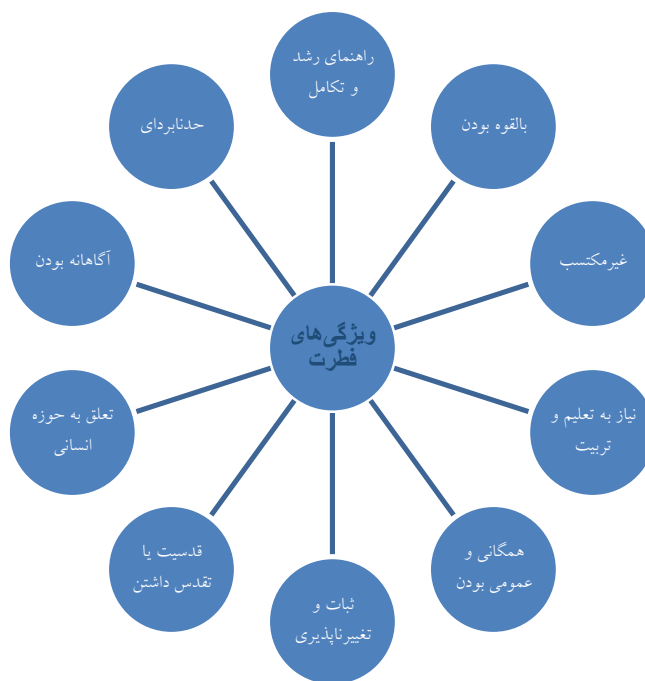
تعلق به حوزه انسانی (همان، ص ۳۴).

قدسیت یا تقدس داشتن (همان، ص ۷۱-۷۲).

راهنمای رشد و تکامل (همو، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۰۴).

حدنابرداری (همو، ۱۳۷۳، ص ۶۱).





نمودار شماره ۴: ویژگی‌های فطرت

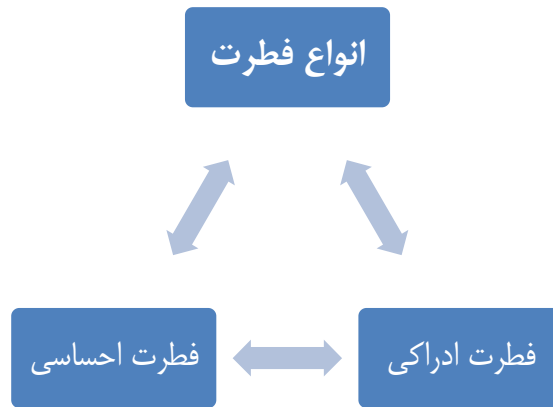
### انواع فطرت

استاد شهید مطهری بر این باورند که دو نوع فطرت داریم که با یکدیگر جمع‌پذیرند و بلکه با همدیگر هستند: یکی فطرت ادراکی و دیگر فطرت احساسی (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۶۱۲ و ۶۱۴ و ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۳۴). وی انسان را موجودی دوکانونی معرفی می‌کند که هم بعد عقلی دارد که فکر و





اندیشه و دوران‌دیشی و حسابگری و منطق و استدلال و فلسفه و علم از تجلیات آن کانون است و هم بعد گرایش‌ی دارد که خواستن و شیفته شدن و آرزو کردن و عشق و پرستش و... از تجلیات آن کانون است - (همو، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۷۷). ناگفته نماند که فطرت به دو معنای خاص و عام به کار می‌رود. فطرت به معنای خاص، همان فطرت توحیدی و الهی انسان (فطرت دینی) است که در قرآن کریم به کار رفته و عبارت است از: توانایی ذاتی و سرشتی شناخت و گرایش به خدا در انسان (خداشناسی و خداگرایی فطری)؛ چنان‌که می‌گویند: گاهی می‌گوییم انسان بالفطره خدا را می‌فهمد [فطرت ناظر بر معرفت و ادراک]، گاهی انسان بالفطره به سوی خدا گرایش و کشش دارد و جذب می‌شود (همان ج ۳، ص ۶۱۴). اما فطرت به معنای عام، عبارت است از: مجموعه ویژگی‌های سرشتی نوع انسان که بالقوه در او وجود دارند. این استعدادها و توانایی‌های سرشتی که فصل‌میز انسان از دیگر موجودات‌اند، استعدادهایی چون حقیقت‌جویی و خلاقیت را دربرمی‌گیرند و فطرت به معنای عام دو چیز است: ۱. غیراقتسابی بودن؛ ۲. مربوط به بعد انسانی انسان.



نمودار شماره ۵: انواع فطرت

### گرایش‌های فطری انسان

استاد شهید مطهری تمامی خواسته‌های فطری انسان را در پنج مقوله حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌طلبی، خلاقیت و نوآوری، عشق‌ورزی و پرستش جای می‌دهد (همو، ۱۳۷۵، ص ۶۷). از سوی دیگر، به تعبیر استاد شهید به باور استاد فرزانه، قلب انسان به حسب فطرت و غریزه، خدای خودش را می‌شناسد (همو، ۱۳۸۳ الف، ج ۲۲، ص ۳۸۲). به اعتقاد شهید دو نوع فطرت دینی ممکن است در انسان باشد؛ یکی فطرت ادراکی و دیگری فطرت احساسی. هرگاه عقل آدمی فکری را در حوزه توحید یا دین بدون یاد دادن و یاد گرفتن، به صورت فطری پذیرفت، به آن فطرت ادراکی گفته می‌شود (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۸۶). اما فطرت احساسی، گرایش و انجذاب به سوی خداوند بزرگ است



(همو، [بی تا]، ص ۲۷). بر این باورند که وقتی فطرت بر اموری اطلاق می‌شود، بدان معناست که از ذات انسان می‌جوشد و انسان موجودی است که بذر این امور، در عمق وجودش کاشته شده است (همو، ۱۳۸۵، ص ۴۷۲).

استاد می‌فرماید: فطریاتی که قرآن قائل است، بدین معناست که استعداد اینها در هر کسی است، به گونه‌ای که همین قدر که بچه به مرحله‌ای رسید که بتواند اینها را تصور کند، تصدیق اینها برایش فطری است... فطری است، به این معنا که به آموزش و استدلال نیاز ندارد، نه به این معنا که قبل از آمدن به این دنیا، آنها را می‌دانسته است (همان، ص ۴۷۹). نتیجه انکار دریافت‌های فطری نیز سقوط در دره هولناک شک مطلق است. استاد، فطریات در ناحیه خواست‌ها را به دو قسم فطریات روحی و فطریات جسمی و جسمانی تقسیم می‌کنند. تقاضاهای جسمی همانند گرسنگی و طلب غذا، خواب، غریزه جنسی (همان، ص ۴۸۳). اینها به ساختمان وجودی انسان مربوط می‌شوند. گرایش به برتری طلبی، حقیقت‌جویی، قدرت‌خواهی، هنر و زیبایی، میل به خلاقیت و ابداع و عشق و پرستش از فطریات روحی به شمار می‌آید (همان، ص ۴۸۴). در موضعی نیز می‌گوید: نظریه فطرت این است که ابعاد انسانی وجود انسان (گرایش به دانش، گرایش به ارزش‌های معنوی، اخلاقی، زیبایی و...) معلول اجتماع نیست؛ اینها جزو ابعاد انسان‌اند. در آغاز خلقت این استعدادها در انسان نهفته است و در جامعه شکفته می‌شود (همو، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۹۳۴). به نظر شهید مطهری خواسته‌های بشر دو گونه است: خواسته‌های طبیعی و خواسته‌های غیرطبیعی. خواسته‌های طبیعی سلسله‌اموری در نهاد و جوهره انسان است و

ناشی از ساختمان طبیعی اوست و هر بشری به لحاظ بشر بودن خواهان آنهاست. البته تاکنون هیچ‌کسی مدعی رمزگشایی از آنها نشده است (ر.ک: همو، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۸۴ و ۱۳۷۰، ص ۲۶).

### رهیافت و روی آورد استاد مطهری به نظریه فطرت

استاد شهید مطهری رهیافت و روی آوردش به نظریه فطرت «درون‌دینی» بوده است؛ یعنی از راه نصوص دینی اعم از آیات، احادیث و ادعیه یا مجموعه کتاب و سنت و معارف و حیانی این نظریه را اصطیاد و آن‌گاه ایضاح کرده‌اند. ایشان از کتب لغت نیز در واکاوی واژه‌های قرآنی چون «فطرت»، «صبغه» و «حنیف» هم مثل بررسی آیات ذر یا الست، فطرت و... نیز تقرب بدین نظریه یافته‌اند (ر.ک: همو، ۱۳۶۹، ص ۲۴-۲۹ و ۱۳۹۸، ص ۱۰-۲۲ و ۱۳۹۸ الف، صص ۱۷-۲۱ و ۲۴-۲۹).

آن‌گاه استاد شهید به مفهوم‌سازی از نظریه فطرت اهتمام ورزیده‌اند؛ مثل:

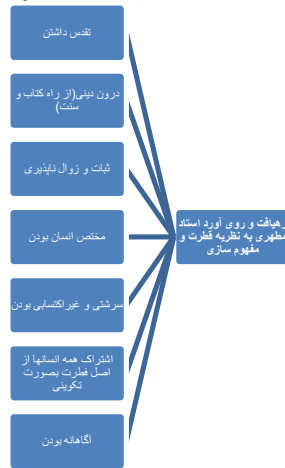
- خاصیت وجودی انسان که صورت بالقوه آن را استعداد می‌خوانیم؛
- سرشتی و غیراکتسابی بودن فطرت؛
- مختص انسان بودن؛
- اشتراک همه انسان‌ها از اصل فطرت به صورت تکوینی (اگرچه در مقام عمل میزان بهره‌مندی انسان‌ها از فعلیت بخشیدن استعدادهای فطری یکسان نیست)؛

- آگاهانه بودن؛

- تقدس داشتن؛

- ثبات و زوال‌ناپذیری؛

- راهنمای رشد وجودی انسان به صورت حداکثری.



نمودار شماره ۶: رهافت و روی‌آورد شهید مطهری به نظریه فطرت و مفهوم‌سازی

### کارکردهای نظریه فطرت

نظریه فطرت در شعاع اندیشه و عمل استاد شهید مطهری، کارکردهای معرفتی، معنوی و رفتاری یا بینشی، گرایشی و کنشی فراوانی دارد که در حوزه‌های ذیل مطرح است:

فلسفه دین - به معنای منشأ دین (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۷۵ به بعد و ۱۳۸۲، ص ۲۱۱-۲۱۲ و [بی‌تا]، ص ۱۳) و دینداری، نفی پلورالیسم دینی، ختم نبوت (همو،

۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۹) و بحث از نیازهای ثابت و متغیر انسان و اسلام و مقتضیات زمان... (همو، ۱۳۸۷، ص ۵۹) و جهان‌شمولی و فراگیری دعوت اسلام مبتنی بر وجود هویت نوعی واحد (فطرت) برای انسان است (همو، ۱۳۸۲، ص ۶۶ و ۱۳۷۸، ج ۲۶، ص ۱۷۰). خداشناسی (اصل اولی و به‌اصطلاح اصل معارف دین خداشناسی است (همو، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۷۱ و ۱۳۸۵، ص ۱۱)؛ و اینکه «قرآن می‌گوید بشر یک فطرت دارد که آن نیز فطرت دینی است و دین نیز اسلام است. اسلام هم یک حقیقت است از آدم تا خاتم. قرآن به ادیان قائل نیست. به دین قائل است و برای همین هیچ‌گاه در قرآن و حدیث، دین جمع بسته نشده است؛ چون دین فطرت و حقیقتی در سرشت انسان‌هاست. انسان‌ها چند گونه آفریده نشده‌اند» (همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۲ و ج ۳، صص ۱۵۷ و ۱۶۰) و انبیا آمده‌اند برای پرورش حس فطری... (همان، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۴۶۰ و ۱۳۶۳، صص ۳۳-۳۴ و [بی‌تا]، ص ۳۴ و بسیاری از ابیات کلامی جدید). مسئله خداشناسی مهم‌ترین مسئله کلامی و زیربنای همه افکار و معتقدات و اخلاق و... است (همو، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۶۷) و اینکه در نهاد انسان اقرار به خدا وجود دارد (همان، ج ۴، ص ۴۱) و جدا کردن فطرت عقل و فطرت دل در باور به وجود خدا و اینکه این باور از فطرت دل ناشی می‌شود. (ر.ک: همو، ۱۳۷۹، ص ۹۳۴). بحث جاودانگی احکام (همو، ۱۳۹۸ الف، ص ۲۴-۲۳). استاد شهید در مورد ایمان و دو بعد ادراکی و احساسی یا اشراقی و قلبی‌اش نیز به فطرت اصالت می‌دهند (همو، ۱۳۸۰، ج ۲۰، ص ۲۴۷ و ج ۲، ص ۴۶۵ و ج ۳، ص ۱۳۸ و ج ۱۵، ص ۹۱۸ و ج ۱۶، ص ۱۶۶-۱۶۷ و ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۴۶۵ و ج ۲۳ صص ۱۸۷ و ۶۴۰ و ج ۲۶، ص ۲۳۲ و ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۲۹۴، ۳۰۲

۳۰۶، ۴۰۷ و ۴۸۵ و ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۰۵ و ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۳۷).

فلسفه اخلاق (به معنای عقلانی بودن گزاره‌های اخلاقی، اطلاق و ثبات اخلاق و... در (همو، ۱۳۷۸، ج ۳، صص ۴۶۷، ۵۲۶ و ۵۲۹ و ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۰۴) یا ابیات آزادی معنوی و اجتماعی در آزادی معنوی (ص ۱۱-۳۵) و تکامل اجتماعی انسان (ص ۹۸-۱۲۱) و بیست گفتار (ص ۳۰۱) و... بحث من علوی و سفلی (همان، ج ۱۳، ص ۷۳۹)، فطرت و مسئله تربیت و رابطه خویشاوندی خاص بین آنها (همو، ۱۳۷۳، صص ۱۴ و ۱۸ و ۱۳۸۷، ص ۵۲ و ۱۳۶۹، ص ۱۸ و ر.ک: ۱۳۹۸ الف، ص ۲۴).

فلسفه تاریخ (به معنای تفسیر تطورات تاریخی و تکامل تاریخ براساس اصل فطرت و برداشت انسانی از تاریخ داشتن)، انسان سازنده تاریخ (همو، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۶۲۹-۶۳۰)، اعتقاد به فطرت و تکامل تاریخ (همو، ۱۳۷۳، ص ۱۸ و ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۶۲) و عدالت پایه در طبیعت فطرت دارد (همان، ج ۲۰، ص ۵۳۷) و اینکه نظریه استاد شهید مطهری در تکامل تاریخ، نقطه مقابل نظریه تکامل دیالکتیکی است (همو، ۱۳۸۷، ص ۷۲).

فلسفه عرفان (به معنای گرایش فطری به عرفان، فطرت عشق، فطرت کمال‌گرایی و قرب وجودی به کمال مطلق، کثرت‌گرایی سلوکی و...).

انسان‌شناسی فطرت اصل و بنیاد انسان، مثل اصالت انسان و انسانیت واقعی در گرو قبول فطریات است در مجموعه آثار (همو، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۶۸) قائل شدن به فطرت انسانی و معنا یافتن تکامل انسانیت در مجموعه آثار (همان، ص ۵۴۵) و طرح من علوی در برابر من سفلی که من علوی در واقع به نظریه فطرت

برمی‌گردد (همان، ج ۲، ص ۳۰۳ به بعد...). از سوی دیگر، بحث‌های کتب انسان و ایمان (ص ۸-۱۲) و اینکه تکامل انسان از حیوانیت آغاز و به سوی انسانیت کمال می‌یابد (ص ۱۹-۱۷) و انسان در قرآن (ص ۱۶ به بعد) و ستایش و نکوهش‌های انسان در کتاب انسان در قرآن (ص ۸-۱۲) و انسان و تکلیف‌گرایی (ص ۴۰-۴۴) و استکمال‌پذیری (ص ۳۳)، حق انتخاب در تعیین سرنوشت در مجموعه آثار (ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۸) و انسان و باخودبیگانگی در فلسفه تاریخ (ج ۱، ص ۱۶۴) و... اصالت انسان با قبول فطریات معنادار است (همو، ۱۳۷۳، ص ۳۷). انسانیت و تکامل انسانیت متفرع بر قائل بودن به فطرت انسانی است (همان، ص ۱۴۴) و باخودبیگانگی نیز تنها بر پایه نظریه فطرت قابل تفسیر است (همان، ص ۱۶۵-۱۶۶) و ر.ک: ۱۳۹۸ الف، صص ۳۷-۴۰ و ۴۹-۵۱).

معرفت‌شناسی (پذیرش ساحات شناختی انسان با ابزار و منابع تجربی، عقلی و شهودی- قبول کردن فطری بودن اصول اولیه تفکر و لاغیر همه چیز به شک مطلق تبدیل خواهد شد (همو، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۸۳) و بالاتر و حیوانی) کارکرد معرفت‌شناختی فطرت: ۱. در بنیاد علوم مثلاً «یگانه راه برای ارزش داشتن علم بشر... قبول کردن فطری بودن اصول اولیه تفکر است. با گرفتن این، برای ما جز شک مطلق چیزی باقی نمی‌ماند» (همو، ۱۳۷۳، ص ۵۸). ۲. مطابقت ذهن و عین. اعتقاد به کاشفیت تام از خارج برای علم. وحدت میان ذهن و عین (ر.ک: همو، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴).

علم دینی با قرائت سنتی و امکان‌دهی برای نگاه‌های جدید تولید علم دینی: در این زمینه استاد شهید با رویکردهای مختلف و از مناظر گوناگون بحث‌هایی

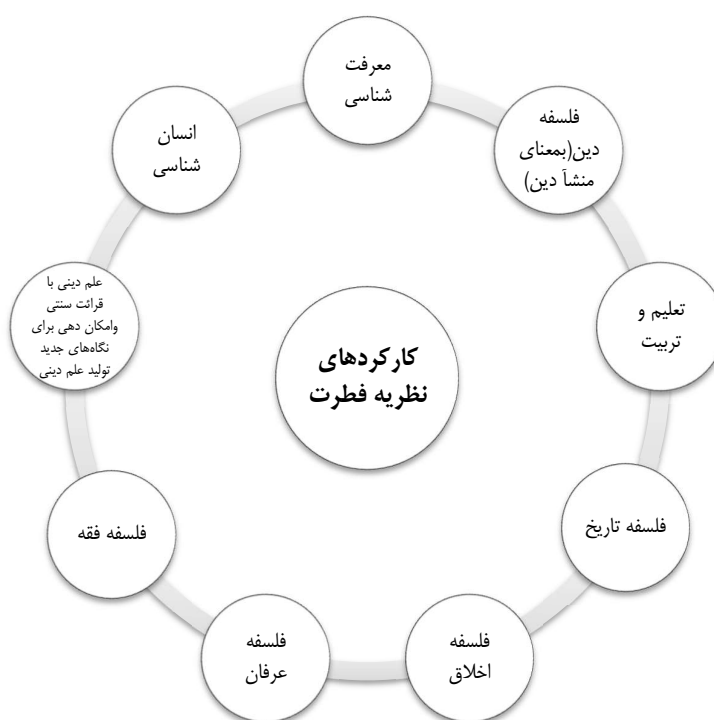




را مطرح کرده‌اند که برای تولید علوم انسانی - اسلامی با قرائت نوین و مورد نظر قابل استناد، اصطیاد و استنباط است؛ مثل: (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۴، ج ۳۰، ص ۱۵۱-۱۵۲ و ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۳۵۷-۳۶۰ و ج ۳۰، ص ۱۰۴) و در تعریف علم به معنای تجربی (ر.ک: همو، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۳۲۴ و ج ۲۲، ص ۶۹۷-۶۹۹ و نیز ر.ک: ۱۳۹۲، ص ۱۴۲-۱۴۷) و اینکه علم دارای دو جنبه قدرت و توانایی برای بهتر زیستن در میدان تنازع بقا و اینکه علم بالذات نور، شرافت و تقدس است (همان، ص ۳۲۴ و ۳۶۲-۳۶۳). از دیدگاه استاد شهید مطهری هر علمی که نیازی از نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کند و نافع باشد، مورد پذیرش اسلام است و اسلام یادگیری آن را بر مسلمان فرض می‌کند (همو، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۵-۳۸ و ج ۳۰، ص ۱۰۵-۱۱۳)؛ چنان‌که نه تنها تضاد علم و دین را نفی می‌کند، بلکه به تعاضد علم و دین (هرکدام از علم و دین به معنای واقعی کلمه) باور دارند (همو، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۶۳) و بحث رابطه علم و ایمان را به خوبی هرچه تمام‌تر و زیباتر تبیین و توصیف نموده‌اند (همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۷-۳۸ و ر.ک: ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۰۴). همان‌طور که بر این باورند علم‌گرایی صرف فاقد توانایی تربیت تام انسان در همه جوانب است (ر.ک: همو، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۳۴).

از منظر استاد شهید مطهری گستره علم دینی شامل امور مادی و معنوی و علوم انسانی و اجتماعی خواهد شد (ر.ک: همو، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۱-۹۴). نیز چون انسان و جامعه در متن زندگی فردی و اجتماعی حالات و نیازهای ثابت و متغیر دارند، بنابراین علم دینی باید بتواند بر محور قواعد ثابت و متغیر به نیازهای انسان پاسخ درخور و کامل دهد (ر.ک: همو، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵). ایشان با استناد به

دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، امری شبیه به الهام و وحی را در همهٔ علوم بشری دخیل دانسته و بر این باورند که منشأ شکل‌گیری فرضیه در ذهن اهل تحقیق و تدقیق علم و دانش الهامی است (ر.ک: همو، ۱۳۶۱، ص ۹۳-۹۴).



نمودار شماره ۷: کارکردهای نظریه فطرت

## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از مجموعه بحث‌های استاد شهید مطهری در موضوع فطرت می‌توان دریافت که فطرت روح حاکم بر اندیشه‌ها و گفتمان مسلط بر آرای فلسفی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، دین‌شناختی، معرفت‌شناختی و... ایشان است. ایشان نظریه فطرت را از قرآن و معارف و حیانی کشف و تبیین کرده‌اند که البته به صورت غیرنظریه‌ای و غیرمدون در آثار بزرگان از عالمان اسلامی به‌ویژه از صدرالدین شیرازی تا آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی<sup>ع</sup> و امام خمینی<sup>ع</sup> و به‌ویژه علامه طباطبایی<sup>ع</sup> مطرح شده‌اند و استاد شهید با حساسیت خاص متناظر به اهمیت و ضرورت کاربردها و کارکردهای آن، فطرت را مورد تحقیق و تدقیق قرار داده‌اند. ایشان از راه تبیین مراحل تطوری مفهوم فطرت و واکاوی لغت‌شناسانه و فلسفی‌اش به بیان ویژگی‌ها و سپس انواع و اقسام فطرت و تحلیل گرایش‌های عالی‌ه وجود انسان معطوف به فطرت و کارکردهای نظریه فطرت پرداخته‌اند. درنهایت می‌توان ادعا کرد که ایشان را منهای نظریه فطرت و نظریه فطرت را بدون ایشان، چنان‌که بایسته و شایسته است، نمی‌توان شناخت و استاد شهید مطهری با تبیین و کاربردهای نظریه فطرت در مقام ایضاح و اثبات و همچنین دفاع عقلانی از معارف اسلامی به فیلسوف فطرت موسوم و موصوف شده‌اند.

## منابع

۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، ۳، ۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۹، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۲. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ۶ و ۱۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۳. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۴. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸.
۵. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۷ و ۱۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.ج.
۶. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۸، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۷. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲ و ۲۳، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ الف.
۸. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۳۰، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۴.
۹. —؛ مجموعه آثار؛ ج ۳۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۸.د.
۱۰. —؛ یادداشت‌ها؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ الف.
۱۱. —؛ یادداشت‌ها؛ ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳.ب.
۱۲. —؛ یادداشت‌ها؛ ج ۳، ۴ و ۵، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ الف.
۱۳. —؛ یادداشت‌ها؛ ج ۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ الف.
۱۴. —؛ یادداشت‌ها؛ ج ۱۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.

۱۵. \_\_\_\_\_؛ فطرت در قرآن؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۸ الف.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ فطرت و تربیت؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۸ ب.
۱۷. \_\_\_\_\_؛ فطری بودن دین؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۸ ج.
۱۸. \_\_\_\_\_؛ خدا در زندگی انسان؛ تهران: حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۹. \_\_\_\_\_؛ آشنایی با قرآن؛ ج ۳ و ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ب.
۲۰. \_\_\_\_\_؛ انسان کامل؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ الف.
۲۱. \_\_\_\_\_؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ الف.
۲۲. \_\_\_\_\_؛ ده گفتار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۰.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ سلسله یادداشتهای استاد مطهری؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ب.
۲۴. \_\_\_\_\_؛ فطرت؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۲۵. \_\_\_\_\_؛ آزادی معنوی؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ج.
۲۶. \_\_\_\_\_؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
۲۷. \_\_\_\_\_؛ فلسفه تاریخ؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ب.
۲۸. \_\_\_\_\_؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ب.
۲۹. \_\_\_\_\_؛ خاتمیت؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱ ب.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ نبوت؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۳۱. \_\_\_\_\_؛ پانزده گفتار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۳۲. \_\_\_\_\_؛ اسلام و نیازهای جهان امروز؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۱.

۳۳. \_\_\_\_\_؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۳۴. \_\_\_\_\_؛ مقالات فلسفی؛ ج ۲، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۶۶.
۳۵. \_\_\_\_\_؛ توحید؛ [بی جا]: انجمن اسلامی دانشجویان عمران (مدرسه عالی ساختمان) مجتمع دانشگاهی فنی و مهندسی، ۱۳۶۳.
۳۶. \_\_\_\_\_؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ تهران: انتشارات صدرا، [بی تا].
۳۷. \_\_\_\_\_؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.

